

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: استاد. نزدیک به دو سالی می‌شود که با مباحث شما آشنا شده‌ام و همراه با چند نفر از دوستان مباحث شما رو کار می‌کنیم. اوایل مات و مبهوت این مباحث بودم. کمی که گذشت رفته رفته به فکر رفع حجاب‌های ظلمانی و حب دنیا و دل‌کندن از پوچی‌ها شدم. الهی شکر دگرگونی‌هایی هم در بنده ایجاد شد که اگر قرار بود به یکباره این دگرگونی‌ها ایجاد می‌شد اصلاً ظرفیتش را نداشتم. ولی استاد چند ماهی است که دیگر شور و شوق قبل را ندارم. هر چه جلوتر می‌روم خود را بیشتر غرق در حجاب و منیت و پوچی می‌بینم. حتی حوصله‌ای هم برای کار کردن مباحث نیست. اگر هم کار می‌کنم حصول است و حضور نیست، نه عزمی و نه تلاشی. استاد گرفتار مشتی الفاظ شده‌ام. به وضوح کم شدن و حتی قطع شدن رابطه‌ام با حضرت رب العالمین را می‌بینم. استاد شاید پرسیدن راهکار برای رفع مشکل در اینجا اشتباه باشد چرا که شما راهکارها را در کتاب‌ها و مطالبتون گفتین. اما استاد عزیز راهکاری می‌خواهم تا بتواند همچون آبی زلال این قلب سیاه و آلوده به گناه من رو از آلودگی پاک‌کنه. شرمنده که مزاحم وقتتون شدم. التماس دعا. یا ستار

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: صبر در مسیر دین‌داری غوغا می‌کند. معلوم است که در این مسیر گاهی ما با بهار شور و شوق معنوی روبه‌روئیم، و گاهی با خزان آن. به قول مولوی: «ای برادر عقل یک‌دم با خود آر / دم به دم در تو خزان است و بهار». موفق باشید